یادداشت روز

در هراس از نشانه‌گیری حزب‌الله

حمله روز یکشنبه گذشته ارتش جنایتکار اسرائیل به منطقه‌ای در ضاحیه بیروت و به شهادت رساندن سید هیثم- ابوعلی- طباطبایی یک فرمانده ارشد حزب‌الله، از سوی مقاومت لبنان، «عبور از خط قرمز» تلقی شد. حزب‌الله در واکنش به این اقدام اعلام کرد «مصمم است تا تمامی پروژه‌های دشمن صهیونیستی و حامی آن آمریکا را نابود کند.» بر این اساس فرمانده ارشد ارتش رژیم غاصب اعلام کرد اگر حزب‌الله به این اقدام پاسخ ندهد، دست به اقدام مشابهی نخواهد زد و در طول روزهای پس از ارتکاب این جنایت، اسرائیل گشت‌زنی خود در آسمان لبنان را افزایش داد که به معنای جدی گرفتن واکنش مقاومت لبنان ارزیابی گردید. از سوی دیگر تشدید اقدامات ارتش رژیم غاصب علیه لبنان، گمانه‌زنی‌هایی را در مورد آینده منازعه میان این رژیم و حزب‌الله در پی داشت.

۱- رژیم غاصب اسرائیل علی‌رغم آنکه پس از شکست از حزب‌الله، آتش‌بس را قبول کرد، در طول نزدیک به یک‌سال به جنایات پراکنده علیه مردم لبنان و به‌خصوص علیه ساکنان جنوب این کشور ادامه داد به‌گونه‌ای که براساس آمار ارائه شده از سوی حزب‌الله، در این فاصله بیش از ۳۵۰ نفر از مردم لبنان در جنوب و شرق این کشور به شهادت رسیده و نزدیک به ۱۰۰۰ نفر از آنان مجروح شده‌اند. حزب‌الله براساس راهبرد صیانت از امنیت کلی لبنان و بنا به ملاحظات داخلی دولت این کشور پاسخی به این اقدامات نداده است و از این جهت از سوی بسیاری از مردم و بسیاری از شخصیت‌ها و احزاب لبنانی دارای حق واکنش خوانده شده است. اما رخداد یکشنبه معادله آتش‌بس که به امری یکجانبه و به نفع رژیم اسرائیل تبدیل گردیده را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. بیانیه حزب‌الله نشان می‌دهد این حزب در حال بررسی روند کنونی است و بسیاری از ناظران نظامی معتقدند ترور شهید سید هیثم علی طباطبایی نقطه پایانی بود که رژیم بر روند یک‌سال اخیر گذاشت. رژیم اسرائیل، حزب‌الله را در وضعیت تازه‌ای قرار داده است و حالا این حزب‌الله است که می‌تواند مسیر آینده را ترسیم کند.

۲- برخی ناظران نظامی گفته‌اند اقدام روز یکشنبه رژیم، مقدمه دور تازه‌ای از جنگ است. کمااینکه «تامیرهایمن» ژنرال اطلاعاتی-نظامی رژیم، یک روز پس از اقدام نظامی اخیر اسرائیل علیه ضاحیه گفت: «مشکل اسرائیل با حزب‌الله با وجود ضرباتی که به این جنبش زده، هنوز حل نشده است چراکه برای هر فرمانده حزب‌الله که ترور می‌شود، جایگزینی وجود دارد و این حزب هنوز دارای موشک‌ها، راکت‌ها و پهپادهایی است که می‌تواند جبهه داخلی اسرائیل را هدف قرار دهند.» در عین حال هم مجموعه اظهارنظرهای مقامات اطلاعاتی و نظامی اسرائیل و هم اقداماتی نظیر گسترش گشت‌زنی هوائی آن بر فراز لبنان نشان می‌دهد این رژیم از درگیری جدید با حزب‌الله هراس هم دارد. اگر اظهاراتی که ناظر به ضرورت حمله سنگین به لبنان است را در کنار اظهارات و اقدامات ناشی از نگرانی از واکنش حزب‌الله قرار دهیم، درمی‌یابیم، شروع دوباره جنگ سنگین فقط نگرانی طرف لبنانی نیست بلکه اسرائیل هم به همان اندازه و شاید بیش از آن در وضعیت نگرانی و عدم اطمینان از نتایج است. شاید به همین دلیل است که برخی از مقامات اسرائیل، حمله روز یکشنبه را به ضرورت خلع سلاح حزب‌الله از سوی دولت لبنان مرتبط کرده‌اند. بنابراین اصل این سؤال که آیا این تنش‌ها منجر به جنگی گسترده میان دو طرف می‌شود، در فضای ابهام قرار دارد.

۳- رژیم اسرائیل بر اساس آنچه از مواضع مقامات و محافل اطلاعاتی- امنیتی آن برمی‌آید، در فضای عدم اطمینان و حتی یأس از نتایج حملات نظامی به غزه، کرانه باختری، لبنان، یمن و در نهایت ایران که بیش از دو سال درگیر آنها بوده، قرار دارد. از نظر این رژیم وقتی راهبردهای این شش جبهه نسبت به پیش از دو سال اخیر هیچ تغییری نکرده و نیز از توانایی نظامی آنان کاسته نشده، نتایج اسرائیل در حد دستاوردهای تاکتیکی و موقت قرار داشته و به‌طور راهبردی و طولانی‌مدت از تهدیدات و نگرانی‌های آن کم نکرده است.

در ارزیابی‌های نظامی و اطلاعاتی رژیم، ایران به عنوان نقطه ثقل مقاومت در منطقه نه‌تنها بر استراتژی‌های خود در مقابل آمریکا، اسرائیل و غرب کماکان تاکید دارد، بلکه حتی از نظر تاکتیکی نیز توانمندی‌های خود را حفظ کرده و در حال توسعه آن می‌باشد. مدیر یک پروژه امنیتی در آمریکا که به مقامات رژیم اسرائیل نزدیک می‌باشد، دو روز پیش طی یادداشتی در «نیویورک‌تایمز» نوشت: «در جریان درگیری‌های بعدی، ایران قصد دارد ۲۰۰۰ موشک را همزمان به سمت مناطق تحت کنترل اسرائیل شلیک کند تا دفاع آن را درهم بشکند، نه ۵۰۰ موشک در ۱۲ روز».

در ارزیابی اسرائیل از وضعیت کنونی حزب‌الله آمده است این گروه در فاصله یک سال گذشته علی‌رغم از دست دادن دبیرکل و ده‌ها نیروی مؤثر آن، قدرت خود را بازسازی کرده و در شرایط آمادگی کامل قرار دارد. ارزیابی اسرائیل از موفقیت طرح «توماس باراک» نماینده ویژه ترامپ در امور لبنان این است که آتش‌بس و فشار بر دولت لبنان علیه حزب‌الله به جایی نرسیده و حزب‌الله اگرچه در فضای عدم پاسخ به نقض آتش‌بس از سوی اسرائیل قرار داشته اما علی‌الدوام بر توانایی‌های نظامی و رزمی و آمادگی خود افزوده است.

در ارزیابی اسرائیل از تحولات عراق آمده است که پیروزی گسترده طرفداران مقاومت و گروه‌های جهادی مخالف اسرائیل و آمریکا، آنان را چند گام به سمت ایفای نقش مؤثرتر در واکنش به هرگونه اقدام نظامی اسرائیل و آمریکا علیه یک ضلع یا اضلاع مقاومت نزدیک کرده است. در این بین پیروزی چشمگیر جریان جهادی «عصائب اهل حق» به رهبری قیس الخزعلی و تبدیل شدن آن به قوی‌ترین حزب عراقی در پارلمان آینده این کشور، رژیم غاصب اسرائیل را به‌شدت نگران کرده است.

در ارزیابی اسرائیل، مقاومت غزه بعد از دو سال جنگ هنوز در موقعیت بی‌جایگزین در روند نظامی و سیاسی این باریکه قرار دارد و طرح دونالد ترامپ علی‌رغم هیاهویی که ایجاد کرده قادر به کنار زدن آن حتی در ساحه سیاسی غزه نیست. بنابراین ارتش اسرائیل معتقد است مسئله غزه هنوز حل نشده و اعتمادی به راه‌حل‌های سیاسی ترامپ وجود ندارد.

کمااینکه در ارزیابی اسرائیل، یمن هنوز یک مشکل اساسی است و هرگونه تشدید نظامی که اسرائیل خود را به‌شدت نیازمند آن می‌داند، دوباره یمن را به صحنه می‌آورد و این در حالی است که ورود دوباره انصارالله مشکلات بیشتری برای اسرائیل ایجاد می‌کند چراکه در هرگونه درگیری تازه، اسرائیل مسئول آن شناخته می‌شود.

۴- رژیم غاصب اسرائیل در تلاش است تا با اقدامات نظامی و تحمیل جنگ فرسایشی به مقاومت فلسطین و حزب‌الله لبنان معادله جدیدی به نفع خود پدید آورد. کمااینکه دو روز پیش «آموس یادلین» رئیس سابق اطلاعات نظامی ارتش اسرائیل گفت: «این عملیات ترور حاوی پیامی برای همه دشمنان اسرائیل بود مبنی بر اینکه دکترین امنیتی ما تغییر کرده است و اجازه هیچ تهدیدی در مرزهایمان را نمی‌دهیم». اما در این‌جا دو نکته اساسی وجود دارد؛ نکته اول این است که چه چیز سبب شده که دکترین امنیتی اسرائیل با شکست مواجه شود و ضرورت تغییر آن به وجود آید؟ آیا اسرائیل می‌توانست مانع آن شود و نشد؟ پاسخ روشن است، اسرائیل در زمان تأسیس خود هیچ‌گاه نمی‌خواسته در اطراف مرزهای اشغالی آن تهدیدی علیه موجودیت اسرائیل شکل بگیرد، دو پیمان اسرائیل با مصر- موسوم به کمپ دیوید- و با اردن- موسوم به وادی عربه- پس از جنگ‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ بر این‌اساس منعقد گردید، حال چرا اسرائیل از شکست این دکترین امنیتی صحبت می‌کند. جز این است که این‌بار به جای دولت‌های مصر و اردن و کشورهای دیگری از این دست، مقاومت رو به گسترش مردمی در مرزهای شمالی یعنی لبنان، شمال‌شرقی یعنی عراق، مرکزی یعنی غزه و کرانه و جنوبی فلسطین یعنی یمن که مصالحه‌پذیر نیستند، قرار گرفته‌اند؟ اسرائیل برای این موضوع نه نسخه کارآمد نظامی و نه نسخه قابل اعتماد سیاسی دارد.

نکته دوم این است که تغییر دکترین امنیتی موضوعی یکطرفه و فقط در اراده طرف اسرائیلی نیست. این تغییر دکترین- اگر البته ضرورتی به آن باشد- می‌تواند در طرف مقابل هم ایجاد شود کمااینکه دو روز پیش در ارزیابی محافل اطلاعاتی اسرائیل آمده بود که ممکن است حزب‌الله در واکنش به حمله روز یکشنبه به ضاحیه، از مرزها به داخل سرزمین‌های اشغالی سرازیر شود. بنابراین اقدام ارتش اسرائیل به تغییر دکترین از دفاعی به هجومی می‌تواند برای آن ریسک زیادی به همراه داشته و آن را در جنگی بی‌پایان گرفتار نماید. جالب این است یک روز پس از اقدام یکشنبه رژیم غاصب علیه لبنان، اویکدور «لیبرمن» وزیر خاجه و وزیر جنگ سابق در توئیتی خطاب به بنیامین نتانیاهو نوشت: «تو در داخل دائماً تزریق می‌کنی که در مواجهه با مقاومت به پیروزی مطلق دست‌یافته‌ای اما من به عنوان فردی دارای تجربه نظامی و امنیتی می‌گویم تو فقط چند جبهه مفتوح را برای اسرائیل ایجاد کرده‌ای.»

۵- در ارزیابی‌های داخلی لبنان، اقدام روز یکشنبه ارتش اسرائیل، یک میخ محکم به تابوت خلع سلاح حزب‌الله خوانده شد. این ترور، داخل لبنان را به نفع حزب‌الله مستحکم‌تر کرد کمااینکه برخی محافل نزدیک به دولت لبنان گفتند این ترور حتی آمریکا را در شرایط فشار قرار داده چراکه اهرم‌های آن در وادار کردن طرف‌های لبنانی به اعمال فشار بیشتر بر حزب‌الله تضعیف کرده است. اسرائیل بارها گفته بود، طرف‌هایی در لبنان از حملات آن علیه حزب‌الله حمایت می‌کنند اما واکنش‌هایی که پس از اقدام روز یکشنبه اسرائیل شاهد بودیم از موقعیت مستحکم حزب‌الله در لبنان خبر می‌دهد.

سعدالله زارعی

هشدار عراقچی نسبت به تحرکات اسرائیل در کارائیب و آمریکای لاتین

وزیر امور خارجه ایران در گفت‌وگوی تلفنی با همتای ونزوئلایی با اشاره به تحرکات رژیم صهیونیستی در منطقه کارائیب و آمریکای لاتین، این امر را خطری بزرگ برای صلح و ثبات و آرامش آن منطقه خواند و بر مسئولیت همه دولت‌ها برای محاکمه و مجازات مقامات این رژیم تاکید کرد.

سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران سه‌شنبه شب چهارم آذرماه در تماس تلفنی با ایوان خیل پینتو وزیر خارجه جمهوری بولیواری ونزوئلا، درباره روابط دوجانبه و آخرین تحولات منطقه کارائیب گفت‌وگو و تبادل‌نظر کرد.

در این تماس تلفنی، روابط و همکاری‌های دو کشور در زمینه‌های مختلف از جمله موضوعات اقتصادی و تجاری و فناوری بررسی شد. طرفین بر اهمیت گسترش همکاری‌ها در سطوح دوجانبه و چندجانبه و نیز در قالب همکاری‌های جنوب-جنوب تاکید کردند.

طرفین همچنین ضمن مرور تحولات بین‌المللی، در مورد آخرین وضعیت در منطقه کارائیب و آمریکای لاتین تبادل نظر کردند.

وزیر امور خارجه ایران با محکوم کردن رویکرد قلدرمآبانه آمریکا در قبال ونزوئلا و دیگر کشورهای مستقل در حال توسعه در نیمکره غربی، تهدید به استفاده از زور علیه این کشور را مصداق روشن نقض فاحش اصول بنیادین منشور ملل متحد و قواعد آمره حقوق بین‌الملل دانست و مسئولیت جمعی جامعه جهانی را برای صیانت از اصول و اهداف ملل متحد در برابر یکجانبه‌گرایی ستیزه‌جویانه آمریکا خاطرنشان کرد.

به گزارش فارس، عراقچی همچنین با اشاره به تحرکات رژیم صهیونیستی در منطقه کارائیب و آمریکای لاتین، این امر را خطری بزرگ برای صلح و ثبات و آرامش آن منطقه خواند و بر مسئولیت همه دولت‌ها برای محاکمه و مجازات مقامات این رژیم که به‌خاطر ارتکاب نسل‌کشی و سایر جنایات شنیع تحت پیگرد هستند تاکید کرد.

وزیر امور خارجه ونزوئلا با قدردانی از مواضع اصولی جمهوری اسلامی ایران، بر اهمیت تقویت روابط راهبردی ایران و ونزوئلا و بر ایستادگی و مقاومت ملت و دولت ونزوئلا در برابر فشارها و مداخلات غیرقانونی آمریکا تأکید کرد.

عراقچی به پاریس رفت

عراقچی همچنین بعد از شرکت در اجلاس سالانه کنفرانس دولت‌های عضو کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی در لاهه هلند، صبح روز چهارشنبه ۵ آذرماه برای دیدار و گفت‌وگو با ژان نوئل بارو همتای فرانسوی عازم پاریس شد.

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه دوشنبه سوم آذرماه ضمن اعلام خبر سفر سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه به پاریس در هفته جاری گفته بود: وزیر امور خارجه بعد از شرکت در اجلاس سالانه سازمان منع سلاح‌های شیمیایی در هلند، بنا به دعوت همتای فرانسوی عازم پاریس خواهد شد.

سخنگوی دستگاه دیپلماسی همچنین اعلام کرد: در سفر عراقچی به پاریس موضوعات دوجانبه از جمله وضعیت تبعه ایرانی خانم مهدیه اسفندیاری و نیز تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح و بحث خواهد شد.

مهدیه اسفندیاری تبعه ایرانی که به اتهام حمایت از فلسطین دهم اسفند سال گذشته ۱۴۰۳ در فرانسه در بازداشت بود اخیرا به صورت مشروط آزاد شد.

سخنگوی وزارت امور خارجه همچنین با اشاره به رویکرد اصولی جمهوری اسلامی ایران در تعامل با سایر کشورها بر مبنای احترام متقابل و استفاده از هر فرصتی برای بیان صریح مواضع و مطالبات کشور از جمله درخصوص جنایات مستمر رژیم صهیونیستی در فلسطین و لبنان، موضوع هسته‌ای و سایر موضوعات مهم بین‌المللی، تصریح کرد که در خلال این سفر و در گفت‌وگو با طرف فرانسوی، برای تبیین مواضع جمهوری اسلامی و طرح مطالبات مشروع ملت ایران استفاده خواهد شد.

پیش از این، وزارت خارجه فرانسه از سفر عراقچی به پاریس و دیدار و گفت‌وگو با ژان نوئل بارو همتای فرانسوی در روز چهارشنبه پنجم آذرماه خبر داد.

دبیر اشراف راهبردی سازمان بسیج مستضعفین خبر داد

ایجاد بیش از ۹ هزار نیروگاه خورشیدی خانگی به‌همت بسیج

دبیر اشراف راهبردی سازمان بسیج مستضعفین با اشاره به اینکه طرح جهاد روشنایی بر ایجاد نیروگاه‌های کوچک خورشیدی در منازل و محلات تمرکز دارد و به کاهش ناترازی برق و تقویت تاب‌آوری انرژی کمک می‌کند، گفت: تاکنون ۹۸۹۰ نیروگاه خورشیدی خانگی ایجاد شده است.

سردار مقداد فرمانی، دبیر اشراف راهبردی سازمان بسیج مستضعفین در گفت‌وگو با فارس به مناسبت هفته بسیج بیان داشت: اولین توصیه رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم، علم و فناوری است. به همین دلیل، قرارگاه جهاد علم و فناوری از سطح «پایگاه علمی محله» آغاز کرده و مسیر را تا «خانه نخبگان» و «مراکز رشد» ادامه می‌دهد تا روزی تولید یک بسیجی به یک محصول تبدیل شود. این فرآیند اکنون به‌صورت عملی در حال اجراست.

سردار فرمانی با بیان اینکه در حوزه جنگ شناختی و جنگ نرم نیز ما وارد یک نبرد واقعی شده‌ایم، اظهار داشت: قرارگاه فرهنگی اجتماعی و تولید قدرت نرم بسیج وظیفه دارد در حوزه فیلم، سریال، فضای مجازی، موضوعات اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی نقش‌آفرینی کند. نمونه اخیر آن حضور موفق بسیج و بنیاد روایت فتح در تولیداتی مانند فیلم «پیشمرگ» در جشنواره فجر بود.

دبیر اشراف راهبردی سازمان بسیج مستضعفین گفت: یکی از اقدامات مهم ما، راه‌اندازی اردوهای راهیان پیشرفت است؛ اقدامی که رهبر انقلاب بر آن تأکید داشته‌اند. در این اردوها، پیشرفت‌های واقعی جمهوری اسلامی به جوانان نشان داده می‌شود. تا امروز حدود ۴۷۰ تا ۴۸۰ مظهر پیشرفت در حوزه‌های مختلف شناسایی شده است؛ از کشاورزی و پتروشیمی گرفته تا برق، پزشکی، داروسازی، صنایع خانگی، نساجی، خودروسازی، صنعت ساختمان، نیروگاه‌ها، سدها، مراکز علمی و حتی صنایع نظامی.

وی افزود: تفاوت ما این است که تنها «نقطه پیشرفت» را نشان نمی‌دهیم، بلکه مسیر پیشرفت را توضیح می‌دهیم؛ اینکه جمهوری اسلامی از کجا آغاز کرده و چگونه به این نقطه رسیده است. این برای جوان اقناع‌کننده‌تر است.

سردار فرمانی خاطرنشان کرد: در پنج‌ماه و نیم اول امسال حدود ۹۷۷ هزار نفر ـ روز در قالب اردوهای پیشرفت از این مراکز بازدید کرده‌اند. این حضور گسترده باعث شده نگاه جوان به واقعیات کشور و دستاوردهای انقلاب اسلامی شفاف‌تر و مستندتر شود.

دبیر اشراف راهبردی سازمان بسیج مستضعفین گفت: امروز بیش از ۲۲هزار قرارگاه محلی اسلامی در کشور فعال است. این قرارگاه‌ها پیوست‌های متعددی دارند. وی بیان داشت: اکنون حدود ۳۳ هزار رسانه محله در کشور فعال شده‌اند که وظیفه خبررسانی، روشنگری، جهاد تبیین و ارتقای سواد رسانه‌ای در سطح محلات را برعهده دارند.

سردار فرمانی اظهار داشت: در حوزه جهاد تبیین، یکی از مهم‌ترین برنامه‌های ما برگزاری گسترده نشست‌های بصیرتی است؛ از سطح پایگاه‌ها تا اقشار مختلف بسیج و محیط‌های کاری مثل ادارات و کارخانه‌ها. برای هر قشر مأموریت مشخص تعریف شده و محتواهای مکتوب نیز در اختیار آنها قرار می‌گیرد. نمونه مهمی از این نقش‌آفرینی، عملکرد بسیج در جریان «جنگ ۱۲روزه» بود؛ جایی که یکی از اولویت‌های ما، تبیین شرایط برای مردم و رفع ابهامات بود تا افکار عمومی دقیقاً بداند چه اتفاقی در حال وقوع است.

بقیه در صفحه ۱۱

خبر ویژه

اسرائیل هیوم: ایران در جذب اتباع اسرائیل بسیار پیشرفته عمل می‌کند

رئیس پیشین میز ایران در اطلاعات ارتش اسرائیل مدعی شد ایران از انتخابات در اسرائیل به عنوان ابزاری برای عمیق‌تر کردن شکاف در جامعه این رژیم استفاده می‌کند و اسرائیل در مقابل این تهدید ایران آماده نیست.

دنی سیترینوویچ ضمن یادداشتی در روزنامه اسرائیل هیوم نوشت: در چند سال گذشته، و حتی بیشتر از ۷ اکتبر، ایران شروع به اجرای چندین عملیات تأثیرگذار بر جامعه اسرائیل کرده است، با هدف استراتژیک تضعیف ثبات سیاسی اسرائیل به عنوان ابزاری برای تضعیف جامعه اسرائیل. برای این منظور، تهران مجموعه گسترده‌ای از نهادهای خیالی را در شبکه‌های اجتماعی متعددی اداره می‌کند که به عنوان ابزاری مؤثر برای انتشار اطلاعات نادرست عمل می‌کنند و هدف رژیم ایران را تأمین می‌کنند.

به عنوان درسی از کمپین انتخاباتی ۲۰۲۲ که ایرانی‌ها در تلاش‌های مختلف تأثیرگذاری شرکت داشتند و با توجه به درک آن‌ها از اهمیت کمپین انتخاباتی پیش رو در اسرائیل، می‌توان فرض کرد که ایرانی‌ها قصد دارند قبل، حین و بعد از کمپین انتخاباتی در تلاش‌های تأثیرگذار شرکت کنند. آن‌ها از تجربه گسترده‌ای که از «اصطکاک» با جامعه اسرائیل در سال‌های اخیر به دست آورده‌اند، برای بهبود و بهبود کمپین‌های نفوذ خود پیش از روز انتخابات استفاده می‌کنند.

از تحلیل تلاش‌های گذشته ایران برای نفوذ با تأکید بر کمپین انتخاباتی قبلی، روشن است که تهران قصد ندارد تا روز انتخابات صبر کند. بنابراین، به نظر می‌رسد ایران تلاش خواهد کرد تا «سازماندهی» نظام سیاسی را پیش از انتخابات در میان مردم یهودی و عرب تحت تأثیر قرار دهد تا این سازمان از هدف استراتژیک خود برای ایجاد هرج و مرج در نظام سیاسی حمایت کند.

این اقدام در آمادگی برای روز انتخابات است، جایی که احتمالاً تهران تلاش خواهد کرد با استفاده از «دارایی‌های پنهان» در گروه‌های منتخب در شبکه‌های اجتماعی، اخبار جعلی و اطلاعات نادرست را منتشر کند تا روند صحیح انتخابات را آسیب برساند و برای دور سوم تضعیف نتایج انتخابات پس از آن آماده شود.

نمونه‌ای از این موضوع فعالیت ایرانی‌ها در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ ایالات متحده است، زمانی که آن‌ها از نام جنبش راست افراطی (پسران مغرور) استفاده کردند تا از رأی‌دهندگان بالقوه بخواهند به رأی دادن نروند و روند رأی‌دهی در ایالات متحده را تضعیف کنند. ایران می‌تواند این الگوی رفتار را در انتخابات اسرائیل نیز تقلید کند و مجموعه‌ای از اقدامات را انجام دهد که هدف اصلی آن آسیب رساندن به روند انتخابات خواهد بود.

نکته مهم دیگر این است که ایران از دارایی‌های خود در شبکه‌های اجتماعی برای متقاعد کردن افراد (چه به دلیل «جعل هویت یک حزب سیاسی واحد» یا انگیزه‌های مالی) استفاده کند تا اقداماتی را نه تنها در حوزه سایبری بلکه در فضای فیزیکی انجام دهند که هدف آن نیز آسیب رساندن به روند انتخابات در دولت اسرائیل است.

تجربه گذشته ثابت کرده است که ایران در توانایی جذب عناصر مختلف در اسرائیل برای جذب و انجام اقدامات به نمایندگی از خود، چه از طریق تقلب و چه به طور مستقیم، بسیار پیشرفته شده است، در حالی که آشنایی عمیق خود با جامعه اسرائیل را نشان می‌دهد که جذب این عناصر را برای آن آسان‌تر می‌سازد.

همان‌طور که در هفته‌های اخیر آشکار شده است، سیستم‌های نفوذ ایران به طور گسترده توسط رژیم ایران تخصیص داده می‌شود؛ رژیمی که ده‌ها نفر را تحت واحدهای ویژه سپاه پاسداران به کار می‌گیرد و هدف اصلی‌شان ترویج عملیات نفوذ است، نه تنها در اسرائیل بلکه در ایالات متحده و بریتانیا نیز. همان‌طور که اشاره شد، باید فرض کنیم که برخی از آن‌ها هم‌اکنون در حال آماده‌سازی برای انتخابات اسرائیل هستند. در مواجهه با این اقدامات و در تلاش برای حفظ سلامت انتخابات، بسیار مهم است که سیستم‌های مربوطه برای عملیات‌های نفوذی مبتنی بر انتخابات ایران آماده شود، با این درک که آمادگی‌ها برای آن‌ها قبلاً آغاز شده یا به زودی آغاز خواهد شد.

ایرانی‌ها در سال‌های اخیر بسیار پیشرفته شده‌اند و به گونه‌ای «تمایز» عمدی بین دارایی‌ها ایجاد می‌کنند که شناسایی آن‌ها را دشوار می‌سازد.

در یک زمینه مستقیم، انتظار می‌رود که رژیم ایران به طور گسترده از ابزارهای هوش مصنوعی استفاده کند تا اعتبار این دارایی‌ها را افزایش دهد و دیدگاه‌هایی درباره پیام‌هایی که ایرانی‌ها قصد انتشار آن را خواهند داشت، «جذب» کند. در عین حال، انتظار می‌رود عناصر سایبری ایران و کسانی که در عملیات نفوذ دخیل هستند، با هم همکاری کنند تا اینترنت را با اطلاعاتی که ایرانی‌ها از طریق هک وب‌سایت‌های اسرائیلی به دست می‌آورند و از تلاش‌هایشان برای مختل کردن روند انتخابات حمایت می‌کند، پر کنند.

این یک چالش مهم است و عدم موفقیت در سال‌های اخیر در تضعیف عملیات نفوذ ایران این را ثابت می‌کند، اما با توجه به آسیب احتمالی که ممکن است از این اقدام وارد شود، مناسب است که منابع مناسب برای جلوگیری از این تلاش‌ها سرمایه‌گذاری شود، زیرا توانایی ایرانی‌ها در آسیب رساندن به روند انتخابات اسرائیل نباید دست‌کم گرفته شود.

عملکرد درخشان دولت رئیسی موجب شرمندگی شماست آقای جهانگیری!

روزنامه هم‌میهن به جای مواخذه معاون اول دولت روحانی برای پاسخگو کردن وی، به ادعای وی استناد کرد.

این روزنامه در یادداشتی با عنوان داوری ترسناک جهانگیری نوشت: «اسحاق جهانگیری سیاست‌ورز باسابقه ایرانی را می‌توان در ته‌خطی از اصلاح‌طلب‌ها فرض کرد که در همسایگی جناح سیاسی اعتدالگرایان قرار دارد. جهانگیری در ۴ سال نخست ریاست حسن روحانی در مقام معاون اول، چهره‌ای تازه از این منصب ارائه کرد. او با اختیاراتی که از سوی رئیس دولت به او تفویض شده بود در اداره دولت یازدهم نقش قابل اعتنایی داشت. این سیاستمدار باسابقه، در دولت چهاردهم همچنان در حاشیه قرار دارد. وی در این مدت اما توانست رخدادهایی که در ۸ سال معاونت اولی در سپهر سیاست جمهوری اسلامی رخ داده بود را در کتاب بازگو کند. هفته گذشته بود که در مراسمی نسبتاً مهم از این کتاب رونمایی شد. اسحاق جهانگیری که در سخنان خود همیشه با احتیاط برخی مسائل نهان را بر زبان می‌آورد، در مراسم رونمایی از کتاب خود نکاتی را گفت که اهمیت دارد.

یکی از مهم‌ترین نکاتی که بسیار هم ترسناک است و در داوری جهانگیری بر زبان آمد این بود که: «شرایط مردم دشوار است. نمی‌توانیم در قفسی جدا از مردم زندگی کنیم. این شرایط دشوار با شرایط نه جنگ و نه صلح دشوارتر شد. هیچ‌کس نمی‌داند برای آینده چه باید بکند. اسنپ‌بک و برگشت تحریم‌ها شرایط را پیچیده‌تر کرده است. ناترازی‌های جدی در بخش‌های مختلف وجود دارد و کشور نیازمند اصلاحات اقتصادی است که نمی‌توان آن را عقب انداخت.»

بخش ترسناک سخنان جهانگیری این است که «هیچ‌کس نمی‌داند برای آینده چه باید بکند.» اگر سیاستمداری در اندازه اسحاق جهانگیری که بیشتر وقت‌ها با احتیاط سخن می‌گوید در یک نشست که در کانون توجه بوده است، می‌گوید «هیچ‌کس نمی‌داند برای آینده چه باید بکند» باید بدانیم که روزگار ایران از آنچه تصور می‌کنیم مبهم‌تر است. در شرایط حاضر و در حالی که نرخ تورم فزاینده‌تر از سال‌های پیش به سوی بالاتر از ۵۰ درصد می‌رود و در وضعیتی که رشد اقتصادی برای امسال دوباره منفی می‌شود و در روزهایی که تراز تجاری کشور بدون استفاده از درآمد نفت هر سال بیشتر می‌شود و اگر درآمد نفت با آسیب روبه‌رو شود تامین غذای ایرانیان سخت و سخت‌تر خواهد شد، باید عبارت برزبان آمده از سوی جهانگیری را در کانون توجه قرار دهیم».

باید به یاد هم‌میهن و شاهدش(!) یادآوری کرد که همین آقای جهانگیری و دولت روحانی در اولین جلسه پس از انتخاب آیت‌الله رئیسی به ریاست‌جمهوری، گزارش داده بودند که خزانه خالی است و قادر نیستند حقوق سر ماه کارمندان دولت را بدهند. اسحاق جهانگیری در همان جلسه گفته بود «آقای رئیسی در شرایطی مسئولیت اداره دولت را برعهده گرفته که فشار آمریکایی‌ها و مسائل منطقه، بسیار سخت شده است. این شرایط کرونا، این شرایط خشکسالی؛ منابع کشور هم که ته کشیده است». وزیران نیرو و جهاد کشاورزی هم، گزارش‌هایی درباره ناترازی‌های برق و نبود بودجه ارزی ۳/۲ میلیارد دلاری برای واردات گندم و روغن ارائه کرده بودند.

این همان مقطعی است که ویروس کرونا قتل‌عام‌های چندصدنفره انجام می‌داد اما کسانی مانند روحانی و ربیعی ادعا می‌کردند واکسن، سوهان قم نیست و تا مشکل برجام و FATF حل نشود، نمی‌توان واکسن وارد کرد. همچنین وزیر نفت و رئیس سازمان برنامه‌ها می‌گفتند که در اثر تحریم‌های شدید قادر به صادرات نفت نیستند.

اما با روی کار آمدن دولت شهید رئیسی و اراده و اهتمام و برنامه‌ریزی انجام شده، صادرات نفت از ۵۰۰هزار بشکه به یک‌میلیون و پانصدهزار بشکه افزایش یافت، واردات واکسن در تیراژ بیش از یکصدمیلیون دُز انجام گرفت و واکسیناسیون موفقیت‌آمیز برای مهار کرونا انجام گرفت، نزدیک به پانصدهزار میلیارد تومان بدهی و تعهدات سررسیدشده پرداخت شد، واردات هشت‌میلیون تنی گندم متوقف شد و خودکفایی در تولید گندم با سقف تولید ۱۳میلیون تن احیا گردید، هشت‌هزار کارخانه تعطیل و نیمه‌تعطیل به چرخه تولید بازگشتند و رشد اقتصادی منفی شده، مجدداً به ارقام سه و پنج‌درصد بازگشت. همچنین در این مقطع کوتاه کمتر از سه سال، نرخ تورم ۴۵درصد تا ۳۳درصد کاهش یافت.

بنابراین تاریک‌بینی و تاریک‌اندیشی امثال آقای جهانگیری به عملکرد مستاصل خود آنها برمی‌گردد که در اثر اعتماد مطلق به آمریکا و اروپای خبیث و سوزاندن فرصت‌ها در همین روند فشلی و معطلی برمی‌گردد وگرنه دولت شهید رئیسی در عمل نشان داد که بسیاری از مشکلات راه‌حل دارد.

همچنین باید سخنان ولی‌الله سیف، رئیس کل بانک مرکزی در دولت حسن روحانی در مورد نحوه تصمیم‌گیری درباره فروش سکه‌های طلا را یادآوری کرد که اخیراً گفت: در جلسه‌ای، آقای روحانی دستور دادند که سکه‌ها بدون هیچ محدودیتی عرضه و فروخته شوند. وقتی از ایشان پرسیدم که دو سال بعد چه کنیم؟ ذخایر طلا در دو سال آینده تمام می‌شود، پاسخ داد: «من با دو سال دیگر چه کار دارم؟ چقدر از دوره‌ام باقی مانده؟ أَنَا رَبُّ الْإِبِلِ. من مسئول دوره خودم هستم.»

در این دوره، ۳۰میلیارد دلار به قیمت ۴۲۰۰ تومان (موسوم به دلار جهانگیری!) و ۶۰ تن طلا حراج شد که عمدتاً به کام رانت‌خوران رفت و کشور را از خزانه ارزی و طلا تهی کرد.

اما در دوره یک‌ونیم ساله اخیر نیز متاسفانه احیای برخی انگاره‌های متوهمانه و ابطال‌شده در زمینه توافق با آمریکا موجب از دست رفتن فرصت‌های مدیریت درون‌زا شده و چاره کار کنار گذاشتن عینک اعتماد به آمریکا و غرب است که موجب کوررنگی سیاسی و سرخوردگی شدید می‌شود.

به تعبیر مولوی: «پیش چشمت داشتی شیشه کبود- زان سبب عالم کبودت می‌نمود/ گر نه کوری، این کبودی دان ز خویش- خویش را بد گو، مگو کس را تو بیش».

اوکراین عملاً به بازیچه آمریکا و اروپا تبدیل شده است

یک اندیشکده آمریکایی می‌گوید اروپا هرچند به طرح‌های ترامپ لبخند می‌زند، اما در واقع روش مقاومت و تهی‌کردن طرح‌های پیشنهادی از محتوا را در پیش گرفته است.

الدار مامدوف در تحلیلی برای اندیشکده کوئینسی نوشت: در پایتخت‌های اروپا دوباره همان صحنه آشنا جان گرفته است؛ این‌بار در واکنش به طرح صلح ۲۸بندی دولت ترامپ. الگوی رفتاری، تفاوت چندانی با آنچه پس از دیدار ترامپ با پوتین در آلاسکا دیده شد، ندارد؛ رهبران اروپایی در ظاهر برای هر ابتکاری که رنگ پایان جنگ داشته باشد، لبخند می‌زنند و اعلام همراهی می‌کنند، اما در پس این نمایش دیپلماتیک، سیاستی عملاً بازدارنده جریان دارد؛ سیاستی که هر گزینه‌ای غیر از رؤیای «تسلیم کامل روسیه» را به حاشیه می‌برد و بی‌اعتبار می‌سازد.

این نوع همراهی ظاهری، بیش از آنکه نشانه حمایت از صلح باشد، تلاشی حساب‌شده برای تهی‌کردن پیشنهاد واشنگتن از هر عنصری که بتواند برای مسکو قابل مذاکره باشد. نتیجه روشن است؛ مسیری که اروپا پیش رو می‌گیرد بار دیگر اوکراین را به ورطه یک جنگ طولانی، فرساینده و بی‌انتها سوق می‌دهد؛ مسیری که با توجه به وضعیت کنونی خطوط نبرد، به طور فزاینده‌